دو فصلنامه حقوق اداری (علمی – پژوهشی)
سال پنجم، شماره ۱۳، پائیز و زمستان ۱۳۹۶

دادرسی اداری در حوزهٔ میراث فرهنگی غیرمنقول

منوچهر توسلی نائینی[۱] ؛ امیرحسن شادنوش[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۶

چکیده

بررسی، شناسایی، ثبت و حفاظت از آثار ارزشمند منقول و غیرمنقول تـاریخی ـ فـرهنگی ازجمله وظایف قانونی سازمان میراث فرهنگی است. با عنایت به اینکه اقدام به ثبت اثر، خالق یک موقعیت حقوقی است و آثار حقوقی را در پی دارد، لذا تصمیمی اداری محسوب و از مصادیق ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری می‌باشد. نظریه شورای نگهبان مبنی بر مغایر شرع بودن قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ نسبت به املاک شخصی و اصلاحیه‌ها و الحاقات بعدی آن، عدم ارائه دلایل قانونی و عدم رعایت قانون توسط مقام اداری از جمله مواردی هستند که قضات دیوان با استناد به آنها، تصمیمات اداری را ابطال می‌نمایند. به این‌صورت در رویه دیوان، مالکیت خصوصی و به تبعِ آن نفع خصوصی بر نفع عمومی (صیانت و ماندگاری مواریث فرهنگی و انتقال آن به آیندگان) ارجح دانسته شده است. صیانت از مواریث فرهنگی ایجاب می‌نماید تا قانون‌گذار، مقام اداری و مقام قضایی ترتیباتی بیندیشند تا فی‌مابین مالکیت خصوصی و منافع عمومی و در اصل بین قواعد «تسلیط» و «لاضرر»، تعادل ایجاد نمایند تا هیچ‌یک متأثر و متضرّر از دیگری نگردد.

واژگان کلیدی: سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، مالکیت، آثار تاریخی ـ فرهنگی غیرمنقول، شورای نگهبان، دیوان عدالت اداری.

۱. عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه اصفهان tavassoli@ase.ui.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) (نویسنده مسئول)
hassan_shadnush@yahoo.com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

مقدمه

میراث فرهنگی ملموس یا مادی به مجموعه مظاهر مادی اطلاق می‌شود که خارج از وجود ما تحقق مادی و فیزیکی دارد. بیشتر ارزش‌های تاریخی و هنری بر آثار و مظاهر مادی مترتب است، مانند شهرها، بناها، اشیاء و... (توحیدی، ۱۳۸۸: ۹). بر اساس این تعریف، می‌توان میراث فرهنگی ملموس و مادی را به دو دسته میراث فرهنگی منقول و میراث فرهنگی غیرمنقول تقسیم‌بندی نمود. میراث فرهنگی غیرمنقول به آن‌دسته از اموال فرهنگی ـ تاریخی اطلاق می‌شود که ذاتاً قابل نقل و انتقال از محلی به محل دیگر نیستند و یا به واسطه عمل انسان به صورت غیرمنقول در می‌آید به نحوی که نقل و انتقال آن مستلزم خرابی یا نقص خود مال یا محل است (صمدی، ۱۳۸۲: ۲۵). سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری[۱] به مثابه سازمانی دولتی، به منظور فراهم نمودن زمینه توسعه پایداری میراث فرهنگی و گردشگری وظایف متعددی بر عهده دارد که ازجمله آن‌ها می‌توان به «ثبت آثار ارزشمند منقول و غیرمنقول فرهنگی ـ تاریخی کشور در فهرست آثار ملی» اشاره نمود. کارویژه‌ای که علی‌الاصول در زمره «تصمیمات اداری» سازمان تلقی می‌گردد و با عنایت به ماده (۱۰) قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ که رسیدگی به تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی را در حدود صلاحیت و اختیارات دیوان عدالت اداری قرار داده، از مصادیق دعاوی مردم در شعب دیوان محسوب می‌گردد. ثبت اثر تاریخی ـ فرهنگی در فهرست آثار ملی یقیناً تأثیراتی را بر مالکیت مالکان خصوصی این‌گونه آثار خواهد داشت. بدیهی است تصمیمات سازمان میراث فرهنگی در ثبت اموال غیرمنقول شهروندان در فهرست آثار ملی، حقوق مالکانه و مالکیت خصوصی ایشان را از طریق ممنوعیت تخریب و ساخت و ساز، محدودیت در بازسازی، تعمیر و مرمت و تغییر کاربری تحدید می‌نماید. از این رو، سازمان میراث فرهنگی به عنوان دستگاهی متولی که وظیفه حمایت از منافع عمومی را در این حوزه عهده‌دار است، در برابر مالکیت شخصی و حقوق خصوصی اشخاص قرار می‌گیرد. به عبارتی، ثبت مال در فهرست آثار ملی، تعارضی را بین قواعد تسلیط و لاضرر ایجاد می‌نماید. درباره تعارض قواعد تسلیط و لاضرر، محقق قمی (ره) ادله نفی ضرر را در همه موارد تعارض با قاعده تسلیط، اقوی از آن دانسته یا به عبارتی حاکم می‌داند. از این رو،

۱. از این پس جهت اختصار، از سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری به «سازمان میراث فرهنگی» یاد می‌شود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

دادخواهی و تظلم‌خواهی شهروندان از دیوان، امری قابل پیش‌بینی است و در عمل نیز شاهد صدور آرای متعدد دال‌ّبر ابطال تصمیم مقام اداری، خروج آثار تاریخی ـ فرهنگی از فهرست مربوطه و به نفع مالکان خصوصی بوده‌ایم.

جستار حاضر در پی پاسخ به چگونگی کارکرد دیوان عدالت اداری (دادرس اداری) در حوزه میراث فرهنگی غیرمنقول می‌باشد. از این‌رو ابتدا، به تحلیل و نقد عملکرد سازمان اداری (سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری) در خصوص ثبت آثار تاریخی ـ فرهنگی در فهرست آثار ملی و سپس به جهت‌گیری رویه دادرس اداری (دیوان عدالت اداری) و دادرس اساسی (شورای نگهبان) درباره قوانین موضوعه می‌پردازیم.

۱. ثبت اثر تاریخی- فرهنگی از دیدگاه حقوق اداری ایران

از منظر حقوق اداری ثبت اثر تاریخی ـ فرهنگی در فهرست آثار ملی ایران عبارت است از یک عمل اداری بیرونی موردی یک‌جانبه غیرترافعی اسقاطی (هداوند، ۱۳۹۲). از این جهت یک عمل اداری است که ثبت اثر تاریخی ـ فرهنگی واجد یک اثر حقوقی بوده و لذا یک عمل و تصمیم اداری محسوب می‌گردد. اداری است؛ زیرا توسط مراجع قضایی و مجلس انجام نمی‌گردد، بیرونی است؛ زیرا بر حق مالکیت اشخاص اثر می‌گذارد، موردی است؛ چون مشمول قواعد مربوط به مقررات دولتی نمی‌گردد، یک‌جانبه است؛ از این جهت که قرارداد نیست، غیرترافعی است؛ چون رأی مراجع اختصاصی اداری محسوب نمی‌گردد و در نهایت اسقاطی است؛ زیرا اِعمال حقی را ساقط و یا کاهش می‌دهد.

قانون‌گذار برای اینکه مقام اداری بتواند اثری را در فهرست آثار ملی به ثبت برساند، شرایطی شکلی و ماهوی را مقرر نموده که عبارتند از:

معیار شکلی: مهم‌ترین ضابطه شکلی که در حقوق موضوعه بدان اشاره شده، «اخطار به مالک» است. بر این اساس ثبت مالی که دارای مالک خصوصی است، تنها پس از اخطار به مالک و رسیدگی به اعتراض احتمالی وی در مهلت یک ماهه[1] توسط سازمان میراث فرهنگی[2] امکان‌پذیر است (ر.ک:

---

۱. به چنین مهلت اعتراض و دفاعی در حقوق اداری انگلستان «Hearing» یا «حق استماع» و در فرانسه «حق دفاع» می‌گویند.

۲. بر اساس تبصرهٔ ۱ ذیل ماده واحده قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۱۰ مبنی بر انتقال وظایف و اختیارات واحدهای ذی‌ربط وزارت معارف (فرهنگ و ارشاد اسلامی) و آموزش‌عالی درخصوص آثار ملی و تاریخی به

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

ماده ۳ قانون راجع به حفظ آثار مالی مصوب ۱۳۰۹/۸/۱۲ و ماده ۵ نظام‌نامه اجرایی قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۱۱/۱۲/۲۸). همچنین چنانچه قدمت اثری پس از اختتام سلسله زندیه باشد؛ اما از نظر تاریخی یا شئون ملی واجد اهمیت می‌باشد را (صرف‌نظر از تاریخ یا پیدایش آن) می‌توان در عداد آثار ملی به ثبت رسانید، منتها، ضابطه شکلی قانونی درخصوص این‌گونه آثار آن است که ثبت آنها در فهرست آثار ملی می‌باید پس از تصویب شورای‌عالی میراث فرهنگی و گردشگری[۱] انجام گیرد.

معیار ماهوی: قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹، معیار صریح و بدون ابهام «تا اختتام سلسله زندیه» را جهت ثبت اثر، ملاک عمل قرار داده است. بنابراین صلاحیت مقام اداری در این-خصوص صلاحیت تکلیفی است و قاضی دیوان عدالت اداری جهت کنترل قضایی، مسیر سختی را نمی‌پیماید. اما چنانچه اثری به لحاظ «اهمیت تاریخی» یا «شئون ملی» (ماده واحده قانون ثبت آثار ملی مصوب۱۳۵۲) و یا از منظر «فرهنگی ـ تاریخی» ارزشمند باشد،[۲] می‌تواند به عنوان اثر تاریخی در فهرست آثار ملی ثبت گردد.[۳]

عملیات مربوط به ثبت آثار تاریخی ـ فرهنگی ممکن است صحیح، باطل و یا معیوب باشد. زایل شدن عمل صحیح ثبت آثار در نتیجه استرداد عمل اداری، لغو و یا تلف موضوع ثبت متصور است. مسترد نمودن عملیات ثبت آثار تاریخی ـ فرهنگی قرابت زیادی به ابطال آن عملیات دارد. لیکن استرداد، اثر قهقرایی داشته و آثار و نتایج تصمیم اداری را نسبت به گذشته لغو و باطل می‌سازد، در حالی که آثار ملغی‌الاثر نمودن تنها نسبت به آینده است. (هداوند، ۱۳۸۹: ۳۲۷).

سازمان میراث فرهنگی کشور و بر اساس بند ۶ ماده ۳ قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۷/۲/۱، وظیفهٔ ثبت این‌گونه آثار برعهدهٔ سازمان اخیرالذّکر می‌باشد.

۱. بر اساس مادهٔ ۳ قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۳، شورای‌عالی میراث فرهنگی و گردشگری به ریاست رئیس‌جمهور یا معاون اول رئیس‌جمهور و عضویت رؤسای سازمان‌های میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، صدا و سیما، حفاظت محیط زیست، مدیریت و برنامه‌ریزی و وزیران اقتصاد و دارایی، آموزش و پرورش و... تشکیل گردید.

۲. بند ج ماده واحده قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور، مصوب ۶۴/۱۱/۱۰ و بند ۶ ماده ۳ قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۷/۲/۱.

۳. با عنایت به اینکه معیارهایی چون «واجد شئون ملی» بودن یا «ارزشمند بودن اثر» مبهم و کلی بوده و تعریف مشخصی از آنان توسط سازمان میراث فرهنگی به عمل نیامده است، لذا «صلاحیت تشخیصی و اختیاری» مقام اداری موسّع بوده و نتیجتاً نظارت (کنترل) قاضی دیوان نیز می‌تواند به جهت تضییع حقوق مالکانه حداکثری باشد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

مطابق اصول حقوق اداری، اصل بر عدم صلاحیت مقام اداری و نیز لزوم اعمال اداری است. از این رو، استرداد یا لغو تصمیم اداری ثبت آثار تاریخی- فرهنگی، نیازمند تصریح مقنّن بوده و از آنجایی که قانون‌گذار در حقوق موضوعه ایران صلاحیت «خروج ثبت» را برای سازمان میراث فرهنگی پیش‌بینی ننموده، لذا امکان عمل خروج اثر تاریخی- فرهنگی تحت عناوین «لغو» یا «استرداد» تصمیم اداری امکان‌پذیر نیست. در صورت «تلف موضوع ثبت»[1] نیز چون اساساً آثار و شرایط ثبت به نحو کامل از بین می‌رود؛ بنابراین خود به خود اثر تاریخی- فرهنگی از فهرست آثار ملی خارج شده و تنها سازمان میراث فرهنگی وظیفه «اعلام انتفای از ثبت» را بر عهده دارد. از دیگر اسباب زوال ثبت آثار تاریخی ـ فرهنگی، بطلان عملیات ثبت اثر است که در دو شق «اشتباه فاحش مقام اداری در تشخیص موضوع» و «اشتباه فاحش مقام اداری در حکم»، متصور است. تشخیص اشتباهات فاحش مقامات اداری و تصمیم‌گیرنده در سازمان میراث فرهنگی نیازمند تخصص نبوده و به آسانی قابل ارزیابی است. در اشتباه فاحش مقام اداری در حکم نیز به وضوح عدم رعایت قواعد و موازین حقوقی مشهود است. در هر دو حالت، از آنجایی که اساساً به جهت کأن لم یکن بودن تصمیم، عمل اداری محقق نگردیده، لذا قابل ابطال بودن تصمیم مقام اداری نیز سالبه به انتفاع موضوع است و تنها مقام اداری یا قاضی دیوان عدالت اداری وظیفه اعلام بطلان را بر عهده دارند. با این تفاوت که اعلام بطلان ثبت اثر توسط سازمان میراث فرهنگی یک عمل اداری است و لذا هر شخصی می‌تواند برابر ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان بدان اعتراض نماید. معیوب بودن تصمیم اداری سومین و آخرین سبب زوال ثبت آثار است که در دو فرض: «عدم رعایت الزامات شکلی» و «عدم رعایت شرایط اساسی یا اختصاصی صحت ثبت» اثر قابل بررسی است. چنانچه معیوب بودن عمل اداری به جهت عدم رعایت شرایط شکلی بسیار جزیی، غیر اساسی و غیر مؤثر باشد، تصمیم اداری قابل ترمیم است. عدم رعایت شرایط اساسی صحت عمل اداری ثبت نیز آنچنان حایز اهمیت است که عمل اداری را «قابل ابطال» می‌سازد و معیوب بودن عمل اداری در صورت عدم رعایت شرایط اساسی و اختصاصی، تنها فرضی است که فقط از طریق بازنگری قضایی و توسط قضات دیوان قابل ابطال است و مقام اداری چنین صلاحیتی را ندارد. زوال عمل معیوب مقام اداری در

---

۱. مانند وقوع بلایای طبیعی همچون سیل و زلزله و از میان رفتن کامل اثر تاریخی به گونه‌ای که دیگر وجود خارجی نداشته باشد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

ثبت اثر تاریخی ـ فرهنگی غیرمنقول در فهرست آثار ملی نیز در چهار حالت: عدم صلاحیت؛ خروج از صلاحیت؛ سوءاستفاده از صلاحیت و مغایرت با قانون قابل تصور است (هداوند، ۱۳۸۹: ۷۷۷).

تحلیل و نقد عملکرد سازمان اداری (سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری)

ثبت آثار تاریخی ـ فرهنگی در فهرست آثار ملی به منظور حفاظت و صیانت از آنها و در راستای تأمین منافع عمومی جامعه است. در نتیجه این اقدام یک خدمت عمومی است. خدمات عمومی، اموری هستند که جهت رفع نیاز و تأمین منافع عمومی ضرورت دارد و تابع روابط آزاد یا قواعد حقوق خصوصی نیست و دولت به نحوی آن را اداره یا بر آن نظارت می‌کند (امامی و استوارسنگری، ۱۳۸۷: ۱۳۸). نحوهٔ عملکرد سازمان متولی ثبت آثار، یقیناً می‌تواند یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین علل در کاهش و یا افزایش شکایات، تظلّمات و اعتراضات اشخاص و نیز احکام صادره از جانب مرجع ذی‌صلاح قضایی (دیوان عدالت اداری) باشد. مقام اداری در ثبت مال اشخاص خصوصی چنان دقت و وسواسی را باید اِعمال نماید که هیچ‌کس نتواند نقصانی بر آن وارد کند. به نظر می‌رسد اولین سینمای یک شهر و یا خانه اولین وکیل یک شهر و ... شأنیت قابل ملاحظه‌ای برای ثبت یک اثر نباشد و جز اینکه دیگر اعمال صحیح و قانونی مقام اداری را نیز زیر سؤال می‌برد، هیچ نتیجهٔ دیگری در پی نداشته باشد و یا اصرار و لجاجت مقام اداری در حفظ اثری که تلف گردیده و هیچ‌چیز از آن باقی نمانده، جز عدم حسن‌نیّت مقام اداری، نشانگر چه چیز می‌تواند باشد؟ عمل به قانون، صرف‌نظر از اینکه قانون خوب است یا بد، تضمین‌کنندهٔ نظم عمومی می‌باشد و عمل ننمودن به قانون نتیجه‌ای جز استبداد در پی نخواهد داشت. عملکرد مقام اداری در این حوزه را از دو جهت می‌توان نقّادی نمود:

۱-۲. نقد عملکرد مقام اداری در نحوهٔ ثبت آثار

جداول ذیل بیانگر تعداد آثار ثبت شده در فهرست آثار ملی ایران می‌باشد که به دو دورهٔ زمانی، قبل و بعد از تشکیل سازمان میراث فرهنگی در سال ۱۳۶۴ تقسیم شده‌اند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

قبل از تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور

سال	از ۱۳۱۰/۶/۲۴ تا پایان سال ۱۳۲۰	۱۳۲۱ تا ۱۳۳۰	۱۳۳۱ تا ۱۳۴۰	۱۳۴۱ تا ۱۳۵۰	۱۳۵۱ تا ۱۳۶۰	۶۱/۱/۱ تا ۶۴/۱۱/۱۰	جمع
تعداد	۳۴۰	۴۵	۴۴	۴۹۷	۷۰۶	۷۱	۱۷۰۳

بعد از تشکیل سازمان میراث فرهنگی

سال	۶۴/۱۱/۱۰ تا ۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰ تا ۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	تا ۸۴/۶/۲۴	جمع
تعداد	۱۸	۹	۱	۰	۱	۰	۱۱۸	۱۱۲	۳۱۰	۳۹۹	۱۰۱۹	۲۰۰۲	۲۳۰۸	۳۰۰۱	۷۵۳	۱۶۳۶	۱۱۶۹۷

جمع کل آثار ثبت شده قبل و بعد از تشکیل سازمان میراث فرهنگی و از اواسط سال ۱۳۱۰ تا اواسط سال ۸۴ و طیّ مدت ۷۴ سال ۱۳/۴۰۰ اثر می‌باشد. (پازوکی، ۱۳۸۴: ۲۰) اما تعداد آثار ثبت شده از تاریخ ۸۴/۶/۲۴ لغایت ۱۳۹۱/۱۲/۲۹ و طیّ مدت حدود ۷ سال و ۶ ماه، ۱۷۶۵۱ اثر می‌باشد. (پازوکی، ۱۳۸۴ و طبیعی: ۶۱). در نتیجه، تعداد کل آثار تاریخی ـ فرهنگی غیرمنقول افزایش چشمگیری داشته و به تعداد ۳۱۰۵۱ اثر رسیده است. به عبارتی، سازمان میراث فرهنگی طی این مدت (۷ سال و نیم) در هر سال حدود ۲۳۵۳ اثر به ثبت رسانیده که این موضوع می‌تواند نقدهای بسیار جدّی را به نحوه عملکرد این سازمان از زوایای مختلف وارد نماید. مضافاً اینکه با دقت در تصمیماتی که ابطال گردیده‌اند، مشاهده می‌گردد، فقط یک مورد، مربوط به آثاری است که پیش از سال ۱۳۵۷ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده و الباقی مربوط به سال‌های اخیر است و چه بسا بتوان به نحوی، دقت مقام وقت اداری در ثبت و عمل به قانون را از آن استنباط نمود.

۲ـ۲. نقد عملکرد مقام اداری در تنظیم الواح ثبتی

شناسنامه یا لوح ثبتی اثر تاریخی ـ فرهنگی، بیانگر آن است که بر اساس چه استناد قانونی و یا چه ویژگی تاریخی ـ فرهنگی، این اثر در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. تناقض و یا عدم رعایت درج موارد قانونی در این شناسنامه، حتّی بدون ورود به ماهیّت موضوع نیز می‌تواند از عوامل مؤثر در تشخیص صحّت یا عدم صحّت ثبت اثر باشد که متأسفانه در اغلب الواح، استنادات قانونی از جانب مقام اداری رعایت نگردیده است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

به عنوان مثال، از جمله موارد قانونی که در یکی از الواح ثبتی ذکر و موجب ثبت اثر در فهرست آثار ملی گردیده، فصل اول قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ می‌باشد. در ادامه، قدمت اثر، اوایل پهلوی ذکر گردیده، حال آنکه وقتی قدمت اثر مربوط به اوایل پهلوی باشد، این اثر می‌بایست با استناد به قانون ثبت آثار ملی مصوب سال ۱۳۵۲ در فهرست مربوطه ثبت می‌گردید. ضمن اینکه شأنیت و یا تاریخی بودن آن باید برشمرده و تصویب شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری را نیز داشته باشد که هیچ یک از این موارد بیان و رعایت نشده که همین نواقص، تشکیل دهندهٔ یکی از مستندات دادرس اداری جهت ابطال تصمیم اداری می‌باشد، موضوعی که به سادگی می‌تواند رفع و تصحیح گردد.

۳-۲. نقد عملکرد مقام اداری در عدم استماع نظرات اشخاص ذی‌نفع

یکی از شیوه‌هایی که موجب جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص می‌شود، استماع نظرات و استدلال‌های اشخاص ذی‌نفع یا «حق استماع» است که امروزه به عنوان یکی از قواعد شکلی می-باید در تصمیمات اداری مقامات اداری مراعات گردد. این حق در آیین اداری بسیاری از کشورها به رسمیت شناخته شده است و بر اساس آن، اشخاصی که تصمیمات و اقدامات اداری بر حقوق، آزادی-ها و منافع آنها تأثیر نامناسب دارد، حق دارند پیشنهادها و استدلال‌های خود را عرضه کنند و بر حسب مورد، مدارک و اسنادی را ارائه دهند که بایستی در مهلت زمان مناسب از داشتن چنین حقی آگاه و مطلع شوند. (هداوند و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴۸)

در مانحن‌فیه نیز، درست است که مادهٔ سوم قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹، قطعیت ثبت مالی را که مالک خصوصی داشته باشد، منوط به اخطار و رسیدگی به اعتراض احتمالی وی دانسته و مادهٔ پنجم نظام‌نامه اجرایی این قانون مصوب ۱۳۱۱ نیز فرصتی یک‌ماهه برای حق اعتراض مالک را تعیین نموده، لیکن با توجه به سکوت قانون‌گذار، علی‌القاعده مرجع رسیدگی به اعتراض، همان مرجع بدوی می‌باشد که این موضوع با اصول دادرسی منصفانه منطبق نیست. علی‌الاصول، اشخاصی می‌بایست به اعتراضات و شکایات رسیدگی نمایند که در مرحله اولیه تصمیم‌گیری حضور نداشته‌اند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

وجود چنین مرجعی، بی‌شک ضمن آنکه می‌تواند به نوعی منافع طرفین را در پی داشته باشد، می‌تواند از مراجعات اشخاص به مرجع قضایی جلوگیری و در نتیجه خواسته آنان را در یک مرجع تخصصی بی‌طرف قابل طرح، بررسی و تصمیم‌گیری سازد. النهایه؛ تصمیم این مرجع تخصصی قابل اعتراض در مرجع ذی‌صلاح قضایی باشد.

تحلیل و نقد رویه قضایی دادرس اداری (دیوان عدالت اداری) و نظریه دادرس اساسی در خصوص ثبت آثار تاریخی ـ فرهنگی غیرمنقول در فهرست آثار ملی

در این قسمت ابتدا آماری از آرای منتخب و جهت‌گیری شعب دیوان عدالت اداری ارائه و سپس جهات (علل) ابطال تصمیم مقام اداری درخصوص ثبت آثار تاریخی ـ فرهنگی غیرمنقول در فهرست آثار ملی توسط دادرس اداری مورد بررسی و نقد رویه قرار خواهد گرفت.

۱-۳. تدقیق آماری آرای منتخب و جهت‌گیری دادرس اداری

متأسفانه دست‌یابی به تمامی دادنامه‌های صادره و ارائه آماری دقیق امکان‌پذیر نگردید؛ لیکن با تلاش‌های انجام گرفته تعداد ۸۳ رأی، در فاصلهٔ زمانی سال‌های ۷۵ لغایت ۹۲ جمع‌آوری گردید.[۱] از مجموع ۸۳ رأی به دست آمده، ۲۴ رأی له سازمان و ۵۹ رأی علیه تصمیمات متخذه توسط سازمان اداری می‌باشند که هر یک را جداگانه مورد تحلیل قرار می‌دهیم.[۲]

۱-۱-۳. آرای صادره له سازمان میراث فرهنگی

از مجموع ۲۴ رأی: ۱ رأی در سال (۸۵)، ۵ رأی در سال (۸۸)، ۱ رأی در سال (۸۹)، ۸ رأی در سال (۹۰)، ۴ رأی در سال (۹۱) و ۴ رأی در سال (۹۲)، توسط شعب اول (۱۲ رأی)، دوم (۱ رأی)، سوم (۱ رأی)، چهارم (۶ رأی)، هشتم (۲ رأی)، بیست و هشتم (۱ رأی) و شعبهٔ اول تجدیدنظر (۱ رأی) صادر گردیده است.

موضوع خواستهٔ دعاوی مطروحه عبارتند از: ابطال تصمیم ثبت اثر در فهرست آثار ملی (۹ رأی)، ابطال تصمیم تعیین حریم اثر ثبتی (۶ رأی)، پرداخت بهای زمین متصرفی یا معوّض آن (۶ رأی)، الزام به پرداخت بهای ملک (۱ رأی) و تقاضای اِعمال مادهٔ ۳۷ قانون سابق دیوان (۱ رأی).

---

۱. بنابر آمار غیررسمی، تعداد آرای صادره در این‌خصوص، از ابتدای سال ۸۹ تا پایان سال ۹۲ بالغ بر ۳۰۰ رأی می‌باشد.
۲. کلیه مستندات مورد اشاره نزد نگارنده دوم مقاله محفوظ است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

اکثر شکایات مطروحه بنابه دلایلی چون عدم سمت شکّات، عدم قابلیت ابطال شروع اقدامات اداری در محدودهٔ قانون و عدم قطعیّت ثبت اثر در فهرست آثار ملی رد گردیده‌اند. در این‌خصوص توجه به این نکته ضرروی است که شکایات با خواسته ابطال «تصمیم تعیین حریم ثبتی» وارد تشخیص داده نشده و انجام این عمل اداری جزء وظایف ذاتی سازمان میراث فرهنگی برشمرده شده است.[۱]

۲-۱-۳. آرای صادره علیه سازمان میراث فرهنگی

در خصوص آرای صادره علیه سازمان میراث فرهنگی، از مجموع ۵۹ رأی: ۱ رأی در سال (۷۵)، ۱ رأی در سال (۸۳)، ۳ رأی در سال (۸۴)، ۴ رأی در سال (۸۶)، ۷ رأی در سال (۸۷)، ۱۹ رأی در سال (۸۸)، ۵ رأی در سال (۸۹)، ۱۱ رأی در سال (۹۰)، ۴ رأی در سال (۹۱) و ۴ رأی در سال (۹۲)، توسط شعب اول (۲۴ رأی)، دوم (۱۰ رأی)، سوم (۱۴ رأی)، چهارم (۷ رأی)، هفتم (۱ رأی)، دهم (۱ رأی)، بیست و هفتم (۱ رأی) و شعبهٔ اول تشخیص (۱ رأی) صادر گردیده است. از مجموع ۵۹ فقره دادنامهٔ اصداری، در ۶ مورد از نظریه کارشناس رسمی دادگستری و نظریه کارشناس شورای حل اختلاف در کنار مستندات دیگر استفاده شده است. شکایاتی که با موضوع ابطال مصوبات کمیسیون ماده ۵ اقامه گردیده‌اند؛ یک مورد درخصوص ابطال محدودهٔ حریم و یک مورد تعیین تکلیف ملک مورد اختلاف بوده‌اند که ورود آنها مورد حکم قرار گرفته است. همچنین به جز یک مورد، تمامی تصمیماتی که ابطال گردیده‌اند مربوط به تصمیماتی است که پس از تشکیل سازمان میراث فرهنگی در سال ۱۳۶۴ اتخاذ شده‌اند. از سوی دیگر، مهم‌ترین دلایل نقض تصمیم اداره طرف شکایت در آرای صادره عبارتند از: ۱. نظریهٔ شماره ۶۰۷۶ مورخ ۱۳۶۱/۸/۳ فقهای شورای نگهبان مبنی بر مغایر شرع بودن قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ نسبت به املاک شخصی؛ ۲. عدم ارائه دلیل یا عدم رعایت مواد ۱ و ۳ قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹؛[۲] ۳. عدم ارائه دلیل یا عدم رعایت ماده واحده قانون ثبت آثار ملی مصوب ۱۳۵۲.[۳]

---

۱. تعداد این آراء ۶ فقره می‌باشد.

۲. ماده (۱) قانون مذکور «تا اختتام سلسلهٔ زندیه» را به عنوان شرط ماهوی و ماده (۳) نیز «ابلاغ به مالک و رسیدگی به اعتراض احتمالی وی» را شرط شکلی جهت ثبت اثر تعیین نموده است.

۳. قانون مذکور، واجد اهمیت بودن اثر از منظر تاریخی یا دارای شئون ملی بودن، صرف‌نظر از پیدایش اثر را شرط ماهوی برای ثبت اثر پیش‌بینی نموده است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

نکته حائز اهمیت دیگر این است که: شکایاتی که خواسته آنها ابطال تصمیم «تعیین حریم ثبتی» بوده به جهت اینکه این امر در زمره صلاحیت‌های ذاتی سازمان است، توسط قضات دیوان وارد تشخیص داده نشده است. از این‌رو می‌توان گفت جهت‌گیری قضات دیوان به سمت استحکام «اِعمال حاکمیت» با هدف تأمین منافع عمومی بوده است.[۱] اما درخصوص تصمیم «ثبت اثر در فهرست آثار ملی»؛ نظریه شماره ۶۰۷۶ مورخ ۱۳۶۱/۸/۳ فقهای شورای نگهبان، عدم ارائه دلیل توسط مقام اداری و عدم ابلاغ اخطار ثبت اثر و عدم اعطای مهلت اعتراض به مالک؛ از موجبات نقض و ابطال تصمیمات سازمان توسط قضات در بازه زمانی مزبور بوده است. با مداقّه در احکام اصداری در خواهیم یافت که نظریه فقهای شورای نگهبان در اغلب آرای صادره تجمیعاً یا منفرداً مورد استناد قضات قرار گرفته که مبیّن جهت‌گیری دیوان در فاصله سال‌های ۸۴ لغایت اواسط سال ۹۰ به سمت استحکام و حفظ «مالکیت اشخاص حقوق خصوصی» است،[۲] لیکن از اواسط سال ۹۰ تا اوایل سال ۹۲، تنها در یک رأی به این نظریه[۳] استناد شده است.

۲-۳. جهات (علل) ابطال تصمیم مقام اداری و نقد رویه دادرس اداری و اساسی

در این قسمت لازم است جهات (علل) شکلی ابطال تصمیم مستند به نظریه ۶۰۷۶ شورای نگهبان (عدم رعایت حقوق مالکانه) مورد بررسی و تقد قرار گیرد.

---

۱. از مجموع ۸ فقره شکایات مطروحه، در ۶ فقره به صراحت نقض تصمیم تعیین محدودهٔ حریم، ۱ فقره نقض مصوبه کمیسیون مادهٔ ۵ شهرداری مبنی بر محدودیت تا ارتفاع ۱۰/۵متر، و ۱ فقره، استحقاق دریافت قیمت عادلانه به علّت وقوع ملک در حریم و عرصهٔ اثر تاریخی، خواستهٔ شکّات بوده‌اند. همچنین ۶ رأی از مجموع آرای صادره با موضوع اعتراض به تصمیم تعیین محدودهٔ حریم، رد خواسته و ۲ رأی ورود شکایت را مورد حکم قرار داده‌اند.

۲. با عنایت به اینکه از مجموع ۵۵ رأی صادره با خواستهٔ ابطال تصمیم و یا عناوین مشابه، ۵۴ رأی ورود شکایت را تأیید و ۱ رأی اعتراض مطرح شده را رد نموده، همچنین با ملحوظ‌نظر قراردادن اینکه از مجموع ۵۴ رأی، در ۳۷ رأی به نظریهٔ شمارهٔ ۶۰۷۶ فقهای شورای نگهبان استناد گردیده؛ لذا، جهت‌گیری دیوان در این بخش به سمت و سوی استحکام «مالکیت خصوصی» و «حقوق خصوصی» متمایل می‌باشد.

۳. پیرو نامه شماره ۵۷۳۶ مورخ ۶۱/۷/۱۷ قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ و اصلاحیه ها و الحاقات بعدی آن در جلسه مورخ ۱۳۶۱/۷/۱۷ فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و شمول قانون نسبت به املاک شخصی به نظر اکثریت آقایان فقهای شورا، مغایر موازین شرع تشخیص داده شد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

۱-۲-۳. بررسی و نقد جهات (علل) شکلی ابطال تصمیم

عدم رعایت تشریفات شکلی مربوط به اخطار و اعطای مهلت یک‌ماهه به مالک و رسیدگی به اعتراض احتمالی و نیز عدم ارایه دلیل توسط مقام اداری تنها ایرادات شکلی مدّنظر قضات دیوان عدالت اداری بوده است. با عنایت به قاعده فقهی ـ حقوقی «البینه علی المدّعی»، این سازمان است که بایستی ادعای خود مبنی بر ابلاغ به مالک یا رسیدگی به اعتراض وی را با ادله اثبات نماید. در غیر این صورت تصمیم اداری از جانب دادرس اداری ابطال می‌گردد.

تشریفات شکلی درخصوص آثاری که مشمول قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ می‌باشند و یا از لحاظ تاریخی یا شئون ملی حائز اهمیت بوده و بر اساس قانون ثبت آثار ملی مصوب ۱۳۵۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسانیده می‌شوند، عبارتند از: «اخطار به مالک»، «رسیدگی به اعتراض احتمالی مالک» و «تصویب شورای‌عالی میراث فرهنگی و گردشگری» (صرفاً درخصوص قانون سال ۱۳۵۲).

عدم رعایت یا نقض هر یک از این مراحل موجب می‌گردد تا تصمیم مقام اداری باطل گردد. لذا ابطال تصمیماتی که بدلیل عدم رعایت هر یک از این موجبات قانونی و یا عدم ارائه دلیل مثبِته دالّ بر رعایت آنها اتخاذ گردیده‌اند، دقیقاً مستند به قانون انجام گرفته است.

رأی شمارهٔ ۱۰۹۰ مورخ ۸۸/۶/۲۱ صادره از شعبه ۳ دیوان عدالت اداری دائر بر ابطال اقدامات سازمان و اعتراض به ثبت ملک در فهرست آثار ملی کشور که منتجّ به ورود شکایت شکّات خصوصی شده است علاوه بر تمسک و توسل به نظریه فقهای شورای نگهبان که شرح آن بیان خواهد گردید، اشعار داشته است: «... از طرفی بر اساس مادّهٔ سوم همان قانون (قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹) ثبت مالی که مالک خصوصی دارد موکول و مشروط به اخطار به مالکین و رسیدگی به اعتراض آنان است، حال آنکه ... به نظر می‌رسد که اقدام طرف شکایت در ثبت ملک متنازعٌفیه به عنوان اثر ملی هم از نظر رعایت مقررات شکلی و هم از نظر ماهوی مواجه با خدشه باشد و مغایر موازین است، لذا حکم به ورود شکایت و ابطال اقدام خوانده صادر و اعلام می‌گردد.»

لازم به ذکر است: در هیچ‌یک از آرای صادره از جانب قضات دیوان عدالت اداری به موضوع تصویب شورای‌عالی اشاره‌ای نگردیده که از دو حالت خارج نیست: سازمان میراث فرهنگی کلیهٔ آثاری را که با استناد به ماده واحده قانون سال ۱۳۵۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسانیده، مصوبهٔ

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

شورای‌عالی میراث فرهنگی و گردشگری را درخصوص آنها اخذ نموده است و یا اینکه این مقرره از جانب سازمان میراث فرهنگی رعایت نشده و قاضی اداری نیز بدان توجهی ننموده که البته با ملاحظهٔ الواح ثبتی، حالت دوم متصور می‌گردد.

۲-۲-۳. بررسی و نقد جهات (علل) ماهوی ابطال تصمیم

مادهٔ ۱ قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ (اختتام سلسلهٔ زندیه)، قانون ثبت آثار ملی مصوب ۱۳۵۲ (حائز اهمیت از نظر تاریخی یا شئون ملی)، بند (ج) ماده واحده قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور، بند ۶ مادهٔ ۳ قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۷ (آثار ارزشمند منقول و غیرمنقول تاریخی ـ فرهنگی) و ماده ۱ آیین‌نامه اموال فرهنگی، هنری و تاریخی نهادهای عمومی و دولتی مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۷ هیأت وزیران و اصلاحات بعدی[۱]؛ قوانین ماهوی هستند که مدّنظر قضات دیوان عدالت اداری بوده است. «عدم رعایت» و «عدم ارایه دلیل» و عبارات مشابه، عباراتی هستند که با استناد بدان‌ها عمل اداری ابطال گردیده است. عدم رعایت هر یک از این قوانین بدین معنی است که مال، در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده، بدون آنکه قدمت آن تا اختتام سلسلهٔ زندیه باشد و یا از نظر تاریخی یا شأن ملی حائز اهمیت باشد.

پرسش اساسی این است که آیا قاضی اداری می‌تواند خود شخصاً ماهیت تاریخی بودن و یا شأنیت و ارزشمند بودن اثری را تشخیص دهد؟ در مواردی که ثبت اثر بر اساس قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ انجام می‌پذیرد، تشخیص اینکه اثر متعلق به سلسله زندیه می‌باشد یا خیر، کار چندان دشواری نیست. لیکن درخصوص قانون مصوب ۱۳۵۲، به نظر می‌رسد تشخیص صحّت دلایل و مستندات ابرازی توسط مقام اداری، امری تخصصی و خارج از صلاحیت قضات دیوان و در صلاحیت کارشناسان باستان‌شناسی و تاریخ‌دانان می‌باشد. این مهم در قانون جدید دیوان نیز مدّنظر مقنّن قرار گرفته و در تبصره ماده ۶۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری صراحتاً

---

۱. به موجب مادهٔ ۱ این آیین‌نامه: «اموال تاریخی ـ فرهنگی و هنری به اموالی گفته می‌شود که از نظر علمی، تاریخی، فرهنگی، باستان‌شناسی، دیرین‌شناسی و هنری حائز اهمیت بوده و بیش از یکصد سال از تاریخ ساخت یا ایجاد آن گذشته باشد و به یکی از انواع زیر تعلق داشته باشد: ...».

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

بدان اشاره نموده است: «شعبه می‌تواند علاوه بر نظر مشاورین موضوع ماده (۷) [۱] عندالّزوم از نظر کارشناسان و متخصصین هر رشته، از میان کارشناسان رسمی دادگستری و یا دستگاه‌های مربوطه استفاده نماید» که البته در هیچ‌یک از آرای صادره در بازه زمانی از پیش‌گفته، این موضوعات تخصصی به کارشناسان رسمی دادگستری جهت اظهارنظر ارجاع نشده است و این نقدی جدی بر عملکرد دیوان است که چنانچه مواد ۶۳ و ۱۲۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان[۲] مورد نظر قرار گیرد، در استحکام مستندات دادرس اداری تأثیر شگرفی به جای خواهد نهاد.[۳]

رأی شمارهٔ ۲۵۱ مورخ ۸۷/۲/۲۸ صادره از شعبه ۴ دیوان عدالت اداری مؤید این مطلب است. قاضی محترم در دادنامهٔ اصداری بیان داشته است: «نظر به اینکه مطابق ماده یک قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ آثار صنعتی و ابنیه و اماکن که تا اختتام سلسله زندیه در مملکت ایران احداث شده و مطابق ماده ۲ قانون مذکور دارای حیثیت تاریخی یا علمی یا صنعتی خاص باشد را می‌توان جزء آثار ملی ایران محسوب نمود چون قدمت ملک مذکور طبق نظر سازمان میراث فرهنگی اواخر دوره قاجار تعیین و حیثیت خاصی برای آن تعریف نشده است و...، لذا حکم به ورود شکایت شاکی و حذف پلاک مذکور از فهرست آثار ملی صادر می‌گردد.»

در اینجا کاملاً مشخص است که چنانچه ثبت این ملک با استناد به قانون سال ۱۳۰۹ انجام گرفته باشد، با توجه به اینکه قدمت ملک اواخر دوره قاجاریه اعلام گردیده، تصمیم مقام اداری در ثبت اثر در فهرست آثار ملی تصمیمی اشتباه و باطل است. منتها به نظر می‌رسد، ثبت این اثر با استناد به ماده واحده قانون ثبت آثار ملی مصوب ۱۳۵۲ انجام گرفته باشد که در این صورت تصمیم مقام اداری صحیح و غیرقابل ابطال است مشروط بر اینکه اولاً: تشریفات اداری قانونی از قبیل ابلاغ به مالک و... رعایت شده باشد و ثانیاً: اثر مذکور، امتیازات قابل دفاعی از لحاظ دارا بودن شأنیت ملی یا تاریخی بودن را داشته باشد که البته در صورت تشکیک قاضی رسیدگی‌کننده در این‌خصوص،

---

۱. «دیوان می‌تواند به تعداد مورد نیاز کارشناسانی از رشته‌های مختلف که حداقل دارای ده سال سابقه کار اداری و مدرک کارشناسی یا بالاتر باشند، به عنوان مشاور دیوان داشته باشد».

۲. ماده ۱۲۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری: «مقررات مربوط به ردّ دادرس و نحوهٔ ابلاغ اوراق، آراء و تصمیمات دیوان و وکالت و سایر موارد سکوت در این قانون به ترتیبی است که در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) و قانون اجرای احکام مدنی مقرر شده است».

۳. شایان ذکر است در سال‌های اخیر، کارشناسان باستان‌شناسی نیز به عنوان کارشناسان رسمی دادگستری فعالیت دارند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

تأیید ممیّزات مبیّنه، می‌بایست توسط متخصصان این حوزه و یا کارشناسان رسمی دادگستری مرتبط با موضوع انجام گیرد.

نقدی دیگر بر رویه دیوان این است که: نسبت به خواسته مشترک، برخی شعب ردّ شکایت و برخی ورود آن را مورد حکم قرار داده‌اند. به عنوان مثال، شکایتی که با خواستهٔ «استحقاق مطالبهٔ قیمت و نرخ اراضی» اقامه گردیده، منجر به صدور رأیی شده که با استناد به یک نامهٔ اداری که تأمین اعتبار برای خرید ملک مذکور، خواستهٔ آن از مدیرکل حقوقی و املاک سازمان میراث فرهنگی بوده است، قاضی ضمن اینکه استحقاق شاکی را محرز و مسلّم دانسته، الزام ادارهٔ طرف شکایت را به تأمین اعتبار خرید خانه موصوف با توجه به اینکه ورّاث توانایی تغییر و نگهداری آن را ندارند؛ مورد حکم قرار داده است. (دادنامهٔ شمارهٔ ۲۴۳۷ مورخ ۹۱/۱۲/۱۶ صادره از شعبه هفتم) این در حالی است که خواسته‌های مشابه با این خواسته به دلیل عدم صلاحیت دیوان در رسیدگی به این نوع شکایات و یا اینکه خرید را از اختیارات دستگاه اجرایی ندانسته، رد گردیده‌اند. (دادنامه‌های شمارهٔ ۳۳۱ مورخ ۸۹/۲/۲۸ صادره از شعبه سوم و ۶۶۰ مورخ ۹۰/۵/۱۸ صادره از شعبه هشتم) مضافاً اینکه چنانچه این ملک در فهرست آثار ملی ثبت شده باشد، قاضی اداری، در صورت مغایرت تصمیم، مجاز به ابطال تصمیم می‌بود، ضمن آنکه با احراز ورود خسارت به شاکی، می‌بایست پرونده را مستند به تبصرهٔ ۱ بند ۳ مادهٔ ۱۰ قانون دیوان، جهت احقاق حقوق خواهان، به دادگاه عمومی احاله می‌نمود، نه اینکه اداره طرف شکایت را به تأمین اعتبار خرید ملک ملزم نماید.

نقد سوم و آخر اینکه: مقام قضایی در اکثر شکایاتی که با خواسته ابطال محدوده تعیین حریم اقامه گردیده‌اند؛ با استناد به اینکه تصمیم معترضٌ‌عنه، خدشه‌ای به مالکیت شکّات وارد ننموده یا تعیین حریم در اجرای اختیارات قانونی اداره تصمیم‌گیرنده بوده یا تصمیم اخذ شده متضمّن تخلّفی از قوانین و مقررات نمی‌باشد و یا اِعمال مقررات مربوط به آثار تاریخی از اَعمال حاکمیّتی محسوب و در صورتی که عمل به آن موجب ضرر دیگری گردد دولت مجبور به پرداخت خسارت نمی‌باشد و...، تصمیم متخذه را صحیح دانسته و حکم به ردّ شکایت و خواستهٔ خواهان صادر نموده است. (دادنامه‌های شمارهٔ ۲۰۳۴ مورخ ۹۱/۹/۲۵ صادره از شعبه اول و شمارهٔ ۱۷۲ مورخ ۹۲/۲/۱۰ صادره از شعبه هشتم).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

این در حالی است که مقام قضایی می‌توانست با استناد به قانون خرید اراضی و ابنیه و تأسیسات برای حفظ آثار تاریخی و باستانی مصوب ۱۳۴۷، حکم به ورود شکایت صادر و پرونده را جهت تعیین میزان خسارت وارده به شاکی، به دادگاه عمومی ارسال نماید. در مقابل نیز در معدود مواردی با استناد به نظریه شورای نگهبان، خواسته و شکایت خواهان را وارد دانسته است. رئیس شعبه دوم دیوان عدالت اداری طیّ دادنامهٔ شمارهٔ ۲۵۸۱ مورخ ۸۴/۱۰/۱۳، خواسته ابطال محدوده حریم خانه منجم باشی لنگرود را با استناد به نظریه فقهای شورای نگهبان (مغایرت قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ نسبت به املاک شخصی با موازین شرع) وارد دانسته و حکم به ورود شکایت و ابطال تشخیص محدوده حریم خانه مذکور صادر نموده است. این در حالی است که نظریه فقهای شورا، دالّ بر مغایرت قانون سال ۱۳۰۹ نسبت به املاک شخصی با موازین شرعی در این مورد خاص هیچ مدخلیّتی ندارد؛ زیرا مستند به بندهای ۱۰، ۱۱ و ۱۲ مادّهٔ ۳ قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی مصوب ۱۳۶۷ (که عدم مغایرت آن با شرع مقدس و قانون اساسی به تأیید شورای مذکور نیز رسیده) تعیین حریم بناها، مجموعه‌ها و...، از جمله وظایف ذاتی این سازمان برشمرده شده است.

با توجه به اینکه در اکثر شکایات مطروحه، تعیین حریم و محدوده برای آثار ثبت شده در فهرست آثار ملی، جزو اختیارات ذاتی سازمان میراث فرهنگی شناخته شده است، این سؤال مطرح می‌گردد: چگونه ممکن است، یک تصمیم اداری تبعی (تعیین حریم و محدوده) بر اساس وظایف ذاتی یک دستگاه اداری و در راستای اِعمال حاکمیت و بدون آنکه خدشه‌ای بر مالکیت وارد نماید، شناخته شود، ولی عمل اداری اصلی به جهات ماهیتی و خلاف شرع بودن ردّ می‌گردد؟ تعیین حریم، موضوعی تخصصی‌تر از ثبت اثر می‌باشد و به واسطهٔ آن مالکیت مالکین بیشتری تحدید می‌گردد.

۳ـ۲ـ۳. ابطال تصمیم، مستند به نظریه ۶۰۷۶ شورای نگهبان (عدم رعایت حقوق مالکانه)

مقرره‌ای قانونی در حوزهٔ میراث فرهنگی وجود ندارد که دستگاه متولی ثبت آثار را از ثبت املاک و آثار اشخاص خصوصی منع کرده باشد. منتها سؤال شعبهٔ چهارم دادگاه شهرستان تبریز در تاریخ ۱۳۶۱/۷/۵ از شورای‌عالی وقت قضایی مبنی بر «هرگاه کسی پایه مغازه خودش را که جزء آثار باستانی است خراب کند و تعمیر نماید...؛ از نظر شرع اسلام چه حکمی دارد؟» باعث گردید تا شورای‌عالی قضایی، نظر شورای نگهبان را در این‌خصوص جویا شود. این شورا طیّ نظریه شمارهٔ ۶۰۷۶ مورخ ۱۳۶۱/۸/۳ و در پاسخ شورای‌عالی قضایی اعلام داشته: «پیرو نامهٔ شمارهٔ ۵۷۳۶ مورخ ۶۱/۷/۱۷ قانون حفظ آثار ملی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

مصوب ۱۳۰۹ و اصلاحیه‌ها و الحاقات بعدی آن در جلسهٔ مورخ ۱۳۶۱/۷/۱۷ فقهای شورای نگهبان مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت و شمول قانون نسبت به املاک شخصی به نظر اکثریت آقایان فقهای شورا مغایر موازین شرع تشخیص داده شد». (روزنامه رسمی، شماره ۱۱۵۰۲، ۱۳۶۳/۶/۳) این نظریه باعث گردید تا بسیاری از تصمیمات ثبتی که حتی به لحاظ رعایت مقررات شکلی و ماهوی ایرادی بر آنها مترتب نبود، نقض گردند. البته این نظریه در سال‌های بعد و با تصویب قوانین مربوطه به طور ضمنی توسط شورای نگهبان نسخ گردیده است.

نظرات شورای نگهبان و مشخصاً نظراتی که درخصوص قوانینی که به نوعی با مالکیت اشخاص (از جمله قانون مغایر با شرع شناخته شدهٔ حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ و اصلاحیه‌ها و الحاقات بعدی آن) در ارتباط بوده‌اند، می‌توان در دو دورهٔ متمایز مورد بررسی قرار داد. اولین دوره مربوط است به زمان تأسیس شورای نگهبان تا اوایل دههٔ ۱۳۷۰. در این دورهٔ زمانی، فقهای شورای نگهبان به مالکیت به مثابه حکم اولیه می‌نگرند و تحلیل این حکم اولیه نیز بر مبنای قاعدهٔ تسلیط انجام می‌پذیرد. در این دوره، در برخی موارد، شورای نگهبان از تجاوز دولت به مالکیت خصوصی افراد جلوگیری می‌کند و بر آن است که دولت حتی در شرایط خاص نیز نمی‌تواند مالکیت خصوصی افراد را نقض کند (ویژه، ۱۳۸۹: ۴۵۳) اما در دورهٔ دوم که پس از سال ۱۳۷۰ می‌باشد، به نظر می‌رسد که شورای نگهبان از دیدگاه مطلق دورهٔ پیشین فاصله می‌گیرد و به تدریج محدودیت‌های ناشی از منافع عمومی را می‌پذیرد. این روند به ویژه در پاسخ به استعلامات دیوان عدالت اداری، به گونه‌ای محسوس دیده می‌شود. افزون بر آن، تأکید مجمع تشخیص مصلحت نظام بر اِعمال محدودیت‌های ضروری بر مالکیت نیز بر دگرگونی نگرش شورای نگهبان بی‌تأثیر نبوده است. در واقع، شورا به چهارچوب مالکیت خصوصی اکتفاء می‌کند و برای اِعمال مطلق آن کوششی به عمل نمی‌آورد. بنابراین، در دورهٔ مذکور، شورای نگهبان به دیدگاه نسبی در مورد مالکیت گرایش یافته است. (ویژه، ۱۳۸۹: ۴۵۳)

البته درخصوص نظریهٔ اصداری (شمارهٔ ۶۰۷۶ مورخ ۱۳۶۱/۸/۳ شورای نگهبان) می‌توان گفت که این شورا با تأیید قوانینی که پس از سال ۱۳۶۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده‌اند و عدم مغایرت آنها با شرع و قانون اساسی، مورد تأیید آن شورا قرار گرفته، به نوعی از نظریهٔ خود

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

عدول کرده و آن را لغو نموده است.[۱] مشخصاً می‌توان به مادّۀ ۵۶۵ قانون مجازات اسلامی اشاره نمود. این قانون که از جایگاه و اهمیت بسزایی برخوردار است در سه مرحله و طیّ سالهای ۷۰، ۷۵ و ۹۲ به تأیید شورای نگهبان قانون اساسی رسیده است. به قطع و یقین، چنانچه قانون حفظ آثار ملی مغایرتی با شرع مقدس می‌داشت، مورد استناد در مادّۀ ۵۶۵ قرار نمی‌گرفت و صراحتاً از آن نام برده نمی‌شد. قانون‌گذار حتی برای شخصی که با علم و اطلاع، مال غیرمنقول ثبت شده در فهرست آثار ملی را بر خلاف ترتیب مقرر در قانون حفظ آثار ملی، به دیگری انتقال دهد مجازات حبس از سه ماه تا یک سال مقرر نموده است.

به هرحال، شورای نگهبان در یک نظریه تفسیری، خود را برای بررسی قوانین پیش از انقلاب ، صالح دانسته و در پاسخ به استفساریه شورای عالی قضایی مقرر داشته است: «مستفاد از اصل چهارم قانون اساسی این است که به طور اطلاق، کلیه قوانین و مقررات در تمام زمینه‌ها باید مطابق با موازین اسلام باشد و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است ...»[۲]. لیکن در مورد هنوز رویه مشخصی در این زمینه وجود ندارد گرچه طبق ماده ۶۱ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۱ قرار بود که کمیسیون ویژه‌ای به منظور رسیدگی به قوانین گذشته اعم از قوانین شورای انقلاب و قوانین قبل از انقلاب تشکیل شود که تا کنون چنین کمیسیونی تشکیل نشده است. در این مورد، برخی از حقوقدانان معتقدند: اگر قوانین جاری کشور که قبل از انقلاب و قانون اساسی تصویب شده و مجری است، در مظان مغایرت با موازین اسلام باشد، باید از طریق مجلس شورای اسلامی نسبت به اصلاح و الغای آنها و جایگزینی مقررات جدید به جای آنها اقدام گردد و پس از تصویب قانون در مجلس، فقهای شورای نگهبان آن را بررسی می‌کنند و تشخیص خود را بر انطباق یا عدم انطباق آن با موازین اسلام اعلام می‌دارند، ولی بدون مداخله مجلس، فقهای شورا نمی‌توانند ابتدا به ساکن قانون قبل از انقلاب را مورد بررسی قرار دهند و اگر مغایر با احکام اسلام دیدند آن را اعلام نمایند و نتیجتاً اجرای قانون را متوقف سازند (مهرپور، ۱۳۷۴: ۲۱).

---

۱. قوانین مذکور عبارتند از: قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۶۴/۱۱/۱۰، قانون اساسنامۀ سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۷/۲/۱، کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ و ۱۳۹۲/۲/۱. (ماده ۵۶۵ این قانون، صراحتاً قانون حفظ آثار ملی را درخصوص تعیین مجازات متخلفین مورد استناد قرار داده است)

۲. نظریه تفسیری شماره ۱۹۸۳ مورخ ۱۳۶۰/۲/۸؛ منتشر شده در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه قوانین سال ۱۳۶۰، قسمت نظریه‌های شورای نگهبان، ص ۳.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

پیشنهادهای دیگری مانند اعلام قانون غیر شرعی قبل از انقلاب از جانب شورای نگهبان به مجلس و تصمیم گیری مجلس در این مورد و تصویب قانون خاص در مورد نحوهٔ اعلام نظر شورای نگهبان در مورد قوانین قبل از انقلاب و اجرای آن نیز عملی نشده است (فلاح زاده و درویش متولی ، ۱۳۹۲: ۱۲۲ – ۱۰۳).

نتیجه‌گیری

ثبت اثر را می‌توان «بحث برانگیزترین» وظیفه سازمان میراث فرهنگی دانست؛ زیرا انجام این وظیفه قانونی، ارتباط تنگاتنگی میان «مالکیت خصوصی اشخاص» و «منفعت عمومی جامعه» برقرار می‌نماید و به نوعی آنها را در تعارض با یکدیگر قرار می‌دهد. به دیگر سخن، سازمان میراث فرهنگی می‌بایست به وظیفه ذاتی و قانونی خود عمل نماید که همانا حفظ مواریث گذشتگان و انتقال آن به آیندگان می‌باشد. از سوی دیگر در انجام این وظیفه، ناگزیر به ثبت آثار تاریخی ـ فرهنگی می‌شود که اشخاص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی مالکیت آنها را در اختیار دارند و در نتیجه تعارض مورد اشاره هویدا و موجبات اعتراض این اشخاص از تصمیم مقام اداری نزد دادرس اداری را فراهم می‌نماید. تعارض میان مالکیت خصوصی و منفعت عمومی باعث گردید تا فقهای شورای نگهبان (پیرو استعلام شورای‌عالی وقت قضایی) طیّ نظریه شماره ۶۰۷۶ مورخ ۱۳۶۱/۸/۳، شمول قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ و اصلاحیه‌ها و الحاقات بعدی آن را نسبت به املاک شخصی مغایر موازین شرع تشخیص دهند. ثبت بی‌رویه و بعضاً خارج از چهارچوب قانونی (شرایط و جهات ماهوی و شکلی) آثار غیرمنقول توسط سازمان میراث فرهنگی، منجر به اقامه دعوی مالکین خصوصی از تصمیمات این سازمان نزد دیوان عدالت اداری گردید. (با توجه به اینکه ثبت اثر، یک عمل اداری بیرونی موردی یک جانبه غیرترافعی اسقاطی محسوب می‌شود، در نتیجه «تصمیم» بوده و مشمول قانون دیوان می‌باشد) دیوان با چشم‌پوشی از قوانین و مقررات و اصول و موازین حقوق عمومی و با استناد به نظریه شورای نگهبان که تنها معیارها و موازین حقوق خصوصی را ملاک قرار داده، اقدام به خروج آثار مثبوت از فهرست آثار ملی می‌نماید.

قضات دیوان عدالت اداری در احکام اصداری، با استناد به این نظریه و نیز عدم رعایت جهات شکلی و ماهوی قانونی و یا عدم ارائه دلیل درخصوص رعایت جهات قانونی، تصمیمات سازمان

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

میراث فرهنگی را ابطال نموده و می‌نمایند. به نظر می‌رسد، نظریه شورای نگهبان با توجه به اینکه مرجع اصلی قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی می‌باشد و شورای مذکور انطباق قوانین مصوب را با قانون اساسی و موازین اسلامی عهده‌دار است، جامعه را با خلأ قانونی روبرو می سازد، ضمن آنکه این شورا با تأیید قوانین مصوب بعدی در زمینه میراث فرهنگی از نظریه خود نیز عدول نموده و لذا استناد به آن از جانب قضات دیوان خالی از اشکال نمی‌باشد. درخصوص ایراد شکلی که در آرای صادره مورد استناد قرار می‌گیرد، با توجه به اینکه امری قانونی (ابلاغ به مالک و رسیدگی به اعتراض احتمالی وی) از جانب مقام اداری رعایت نگردیده، ابطال تصمیم نیز کاملاً صحیح می‌باشد. درخصوص ایرادات ماهوی نیز با توجه به اینکه ماهیت موضوع امری تخصصی می‌باشد، لذا قضات دیوان می‌بایست در ابتدای رسیدگی به این‌گونه دعاوی، نظر کارشناس رسمی دادگستری را جلب و سپس تصمیم مقتضی در این‌خصوص را اتخاذ نمایند.

به قطع و یقین عملکرد سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری در ثبت آثار تاریخی ـ فرهنگی و در نتیجه تأمین منفعت عمومی، می‌تواند در کاهش و یا افزایش شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص و به تبع آن احکام صادره توسط دادرس اداری (دیوان عدالت اداری) تأثیرگذار باشد. اقداماتی نظیر: تعریف مشخص و دقیق از عبارات چند پهلوی موجود در قوانین و مقررات، نظیر شئون ملی، از لحاظ تاریخی و یا ارزشمند بودن اثر، توسط سازمان و در چهارچوب اختیارات حقوق موضوعه (آیین‌نامه، بخش‌نامه و دستورالعمل)/ ممانعت از ثبت بی‌رویه و خارج از چهارچوب‌های قانونی آثار تاریخی ـ فرهنگی غیرمنقول در فهرست آثار ملی/ اقدام به خروج آثار فاقد جهات قانونی (شکلی و ماهوی) و یا آثاری که شرایط ارزشمند بودن خود را از دست داده‌اند/ اتخاذ تصمیمات اداری مستدل، معقول، شفاف و مشارکت‌پذیر/ الزام به ارائه دلایل تصمیمات متخذه در خصوص ثبت آثار تاریخی ـ فرهنگی در فهرست آثار ملی/ پیش‌بینی و طیّ مراحل قانونی تأسیس مرجعی جهت بازنگری و تجدیدنظر اداری به منظور اصلاح و ترمیم تصمیمات مقام اداری/ پیش‌بینی بسته‌های تشویقی به منظور ترغیب مالکین خصوصی آثار تـاریخی ـ فرهنگی از جمله تغییر کاربری رایگان، معافیت از پرداخت عوارض شهرداری، معافیت از پرداخت هزینه‌های جانبی/ جبران ضرر مادی مالکان خصوصی این‌گونه آثار از طریق سهیم نمودن تمامی شهروندان با توجه به نفع عمومی/ و.../ می‌توانند در کاهش شکایات اشخاص ملحوظ نظر مقام اداری قرار گیرند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

فهرست منابع

الف. کتاب

۱. امامی، محمد و کوروش استوار سنگری (۱۳۷۸)؛ **حقوق اداری**، تهران: انتشارات میزان.

۲. پازوکی، ناصر (۱۳۸۴)؛ **آثار ثبت شده در فهرست آثار ملی ایران**، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

۳. ــــــــــــ (۱۳۸۴)؛ کتابچه آمار کمّی دفتر ثبت آثار و حفظ و احیاء میراث معنوی و طبیعی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

۴. پیلوار، رحیم (۱۳۹۱)؛ **فلسفه حق مالکیت**، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۵. توحیدی، فائق (۱۳۸۸)؛ **آشنایی با میراث فرهنگی**، تهران: انتشارات سبحان نور.

۶. صدرالحافظی، سید نصرالله (۱۳۷۲)؛ **نظارت قضایی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری**، تهران: انتشارات شهریار.

۷. صمدی، یونس (۱۳۸۲)؛ **میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین‌المللی**، دو جلدی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

۸. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۹۱)؛ **حقوق اداری**، تهران: انتشارات سمت.

۹. غنمی، امید (۱۳۸۸)؛ **مجموعه قوانین، مقررات میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری**، تهران: انتشارات قلمرو فرهنگ.

۱۰. غنمی، امید و صمدی، یونس و سوسن چراغچی (۱۳۸۶)؛ **مجموعه قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و معاهدات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری**، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری مجمع جهانی اهل‌بیت(ع).

۱۱. مهرپور، حسین (۱۳۷۴)؛ **دیدگاههای جدید در مسائل حقوقی**، تهران: انتشارات مؤسسه اطلاعات.

۱۲. هداوند، مهدی و نجابت‌خواه، مرتضی و آقایی‌طوس، مسلم و...، (۱۳۹۱)؛ **آیین‌های تصمیم‌گیری در حقوق اداری**، تهران: انتشارات خرسندی.

۱۳. هداوند، مهدی (۱۳۸۹)؛ **حقوق اداری تطبیقی**، دو جلدی، تهران: انتشارات سمت.

ب. مقاله‌ها

۱. پازوکی، ناصر (۱۳۷۶)؛ «مبانی میراث فرهنگی»، **مجله میراث فرهنگی**، شماره ۱۷، بهار و تابستان.

۲. ویژه، محمدرضا (۱۳۸۹)؛ «مراجع صیانت از قانون اساسی و حمایت از مالکیت»، **فصلنامهٔ پژوهش**

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

حقوقی، شمارهٔ ۲۹.

۳. عزیزی، محمد (۱۳۷۱)؛ «نگاهی به پیشینه ثبت آثار در ایران»، **ماهنامه میراث**، شماره ۲۴.

۴. فلاح زاده علی‌محمد و میثم درویش متولی (۱۳۹۲)؛ نظارت شورای نگهبان بر قوانین مصوب پیش از انقلاب و شورای انقلاب، **فصلنامه دانش حقوق عمومی**، سال دوم ، ،شماره ۵ ، صفحات ۱۰۳ تا ۱۲۲.

۵. میرشمسی، فاطمه (۱۳۸۵)؛ «محقق قمی و دیدگاههای خلاف مشهور او در فقه و اصول»، **مجله برهان و عرفان**، شماره ۷.

ج. نشست‌های علمی

۱. اولین نشست با موضوع میراث فرهنگی و مالکیت خصوصی یا منفعت عمومی، پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۲/۲/۲۵.

۲. دومین نشست با موضوع میراث فرهنگی و دیوان عدالت اداری، ۱۳۹۲/۳/۴، پژوهشگاه قوه قضائیه.

۳. سومین همایش قانون و میراث فرهنگی، ۱۳۹۲/۳/۱، مجموعه تاریخی ـ فرهنگی سعدآباد.

د. قوانین و مقررات

۱. آیین‌نامه اجرایی تبصرهٔ ۲ قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مصوب ۸۴/۲/۲۱ هیأت وزیران.

۲. آیین‌نامه اموال فرهنگی، هنری و تاریخی نهادهای عمومی و دولتی مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۷ هیأت وزیران.

۳. آیین‌نامه مدیریت، ساماندهی، نظارت و حمایت از مالکان و دارندگان اموال فرهنگی ـ تاریخی منقول مجاز مصوب ۱۳۸۴/۴/۵.

۴. اساسنامه انجمن آثار ملی مصوب ۱۳۰۱ هجری شمسی.

۵. اساسنامه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.

۶. قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۷/۲/۱.

۷. قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۱.

۸. قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۳.

۹. قانون تشکیلات اداری وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه مصوب ۱۲۸۶ هجری شمسی.

۱۰. قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۲ مجلس شورای اسلامی و

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]

۱۳۹۲/۳/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۱. قانون ثبت آثار ملی مصوب ۱۳۵۲/۹/۱۳.
۱۲. قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹/۸/۱۲.
۱۳. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱.
۱۴. نظام‌نامه اجرایی قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۱۱/۲/۲۸.

هـ. آرای قضایی (دیوان عدالت اداری)

۱. دادنامهٔ شمارهٔ ۲۵۸۱	مورخ ۸۴/۱۰/۱۳	صادره از شعبه دوم.
۲. دادنامهٔ شمارهٔ ۲۵۱	مورخ ۸۷/۲/۲۸	صادره از شعبه چهارم.
۳. دادنامهٔ شمارهٔ ۱۰۹۰	مورخ ۸۸/۶/۲۱	صادره از شعبه سوم.
۴. دادنامهٔ شمارهٔ ۳۳۱	مورخ ۸۹/۲/۲۸	صادره از شعبه سوم.
۵. دادنامهٔ شمارهٔ ۹۰۰۹۹۷۰۹۰۰۸۰۰۶۶۰	مورخ ۹۰/۵/۱۸	صادره از شعبه هشتم.
۶. دادنامهٔ شمارهٔ ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۱۰۲۰۳۴	مورخ ۹۱/۹/۲۵	صادره از شعبه اول.
۷. دادنامهٔ شمارهٔ ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۰۷۰۲۴۳۷	مورخ ۹۱/۱۲/۱۶	صادره از شعبه هفتم.
۸. دادنامهٔ شمارهٔ ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۰۸۰۰۱۷۲	مورخ ۹۲/۲/۱۰	صادره از شعبه هشتم.

و. سایر منابع

۱. روزنامهٔ رسمی شماره ۱۱۵۰۲ ـ ۱۳۶۳/۶/۳

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-20]